

موضوع تحقیق:

بررسی وجوب خمس از منظر قرآن و حدیث

استاد رهنما و مشاور: علی رضا نوروزی

محقق: محمد علی مطهری

کد تحصیلی: ۱۲۵۴۴۳۶



## تقدیم و تشکر:

استاد گرامی قدر جناب حجت الاسلام والمسلمین علی رضا نوروزی دامه  
برکاته

### السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته:

دلسوزی، تلاش و کوشش و رفتار صمیمانه حضرت عالی در تعلیم و تربیت و  
انتقال معلومات و تجربیات ارزشمند و دوستانه صمیمانه با دانشجویان برای  
کسب علم و دانش علوم آل محمد حقیقتاً قابل ستایش است، اینجانب بر خود  
وظیفه می دانم که بنده حقیر و شاگرد ادنی از زحمات و ارزشمند استاد گرانقدر  
و صحبت، روحیت بخش تقدیر و تشکر می نمایم.

از خداوند متعال برای شان سلامتی موفقیت و طول عمر را مسئلت دارم و  
خداوند توفیقات استاد ارجمند را در سایه امام زمانه عج و امام روف علی بن  
موسی رضا علیه السلام محفوظ بدارد.

محمد علی مطهری



## چکیده مطالب

**موضوع:** خمس، اصطلاحی فقهی به معنی پرداخت یک پنجم مازاد درآمد

سالانه و برخی موارد دیگر مانند گنج، معدن با شروطی که در فقه آمده است.

خمس از فروع دین است و آیه چهل و یک سوره انفال و بیش از صد و ده

حدیث در کتاب های روایی از آن سخن گفته اند.

نیمی از خمس به سادات فقیر اختصاص دارد و نیمی دیگر بعنوان سهم امام به

دوران غیبت امام زمان علیه السلام توسط مراجع تقلید در اموری که با توجه

به تاریخ زندگی اهل بیت علیهم السلام مورد مصرف خمس تشخیص میدهند.



## چكیده و واژگان کلیدی:

خمس - انفال - واجب - قرآن - سنت.



## فهرست مطالب

- د ..... چکیده مطالب
- ه ..... چکیده و واژگان کلیدی:
- ط ..... سوالات اصلی و فرعی روایت معضوع
- ه ..... مقدمه:
- ۶ .....
- ۷ ..... پیشینه تاریخی درباره خمس
- ۸ ..... خمس از منظر قرآن:
- ۸ ..... شأن نزول
- ۹ ..... خمس در لغت:
- ۹ ..... در اصطلاح:
- ۱۰ ..... خمس در اصطلاح فقهاء:
- ۱۱ ..... خمس در کتاب مقدس:
- ۱۱ ..... آغاز خمس در سنت اسلامی:
- ۱۱ ..... خمس یک دستور مهم اسلامی:

- ۱۲ ..... تفاوت بین خمس و زکات:
- ۱۴ ..... عقیده اهل تشیع:
- ۱۴ ..... عقیده اهل سنت:
- ۱۵ ..... مراد از ذی القربی به نظر اهل سنت:
- ۱۷ ..... متعلقات خمس:
- ۱۷ ..... مصارف خمس:
- ۱۸ ..... سهم امام
- ۲۰ ..... خمس از منظر روایات:
- ۲۰ ..... خمس دوران پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم
- ۲۱ ..... خمس در دوران خلفاء:
- ۲۳ ..... دوران ائمه معصومین علیهم السلام:
- ۲۷ ..... عصر خلافت امام علی علیه السلام:
- ۲۸ ..... عصر امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام
- ۲۹ ..... عصر امام باقر علیه السلام:
- ۲۹ ..... عصر امام کاظم علیه السلام:
- ۳۰ ..... عصر امام رضا علیه السلام:

عصر امام جواد عليه السلام ..... ۳۱

عصر امام هادی عليه السلام ..... ۳۱

عصر امام حسن عسکری عليه السلام ..... ۳۲

عصر غیبت صغرا ..... ۳۳

نتیجه: ..... ۳۵

فهرست منابع: ..... ۳۶



## سوالات اصلي و فرعي روايت معضوع

س: آیا در باره خمس آیاتی در قرآن مجید ذکر شده؟

س ۲: آیا روایات و سنت هم بر وجوب خمس تاکید می کنند؟ س ۳: اگر خمس مسلمات دین است چی فرقی بین مکاتب فکری وجود دارد؟

س: معنی و مفهوم خمس چیست؟

س ۴: عقیده خمس فقط عقیده مسلمین است یا ادیان دیگر هم عقیده داشتند؟

س ۵: خمس بر چه چیزهای واجب است؟

س ۶: خمس باکی تعلق می گیرد؟ س ۷: خمس چرا واجب شده است؟



## مقدمه:

همه اشیاء بر پایه استوار است و پایه و اساس دین بر سه چیز مهم استوار است، آن پایه اصول دین، فروع دین یا احکام و اخلاق نامیده میشود.

اصول دین با عقیده تعلق میگیرد اگر کسی یکی از اصول پنجگانه را قبول نداشته باشد از دین خارج میشود اما فروع دین بعد از اصول دین مهم ترین رکن است و علماء ده تا فروع را ذکر کرده اند.

نماز- روزه- حج- زکوة- خمس- جهاد- امر بالمعروف و نهی از منکر و تولی و تبری.

درباره فروع دین دو طریق به وجود می آید و آن اینکه اگر کسی اصل اساس فروع را انکار کند کافر و مرتد شمار میشود مثل اینکه که از خمس انکار میشود و میگوید که خمس را روحانیون برای معیشت خود درست کرده اند و در دین بنام خمس چیزی نیست در این صورت کافر بودن آن شکی نیست، امام از اصل اساس فروع انکار نمی کند ولی میگوید حوصله ندارم که نماز بخوانم یا خمس بدهم و... در این صورت معصیت کار شمرده میشود.

خمس هم یکی از فروع دین است و برای تامین اجتماعی و بدل از زکوة برای سادات فقراء خداوند عالم بر مسلمانان فرض کرده است. اگر تمام مسلمانان حتی تمام شیعیان مستطیع خمس را پرداخت کنند هیچکس از مسلمانان یا شیعیان مبتلا به فقر و تنگدست نمی شود، متأسفانه اهل تسنن خمس را منحصر به غنائم جنگی

میدانند و از تمسک به دامن اهل بیت علیهم السلام محروم هستند، بنابر این در این زمان کاملاً از پرداخت خمس محروم است. و متمسکین دامن اهل بیت علیهم السلام هم بیشتر از پرداخت خمس جلوگیری می کنند. اندکی خمس در دفاتر فقهاء عظام جمع میشود از آن هم اجراه دفاتر وسیع و عریض و رفاه طلبگان مزدوران و خدمت گزاران آن اداره غروب میشود.

بنابر این برای رفاه اجتماعی و رفاه امور اداری اندکی خمس باقی می ماند، همان ریزش و اندک باقی مانده خمس چه قدر امور اجتماعی را اداره می کند. از این معلوم میشود که اگر خمس را به معنی واقعی همه مردم ادا بکنند همه فقراء مسلمین غنی میشوند و همه اداره ها و ماور اداره ها تامین میشوند.

از اینجا سوال پیش می آید که: خداوند چرا خمس را واجب قرار داده است؟ و مکتب اهل سنت چرا از این واجب الهی صرف نظر میکند؟

مکتب تشیع به چه معنی خمس را واجب می داند؟ و بر چه چیزی واجب می داند؟

در باره خمس کتابهای متعددی نوشته شده است-



## پیشینه تاریخی درباره خمس

درباره اهمیت خمس این است که در زمان معصومین علیهم السلام و در زمان غیبت ولی عصر عجل کتاب های متعددی درباره خمس نوشته شده یا ضمنا بحث خمس مطرح شده است.

اورمه قمی (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۰) علی بن مهزیار اهوزی (نجاشی، ص ۲۵۳) حسن بن سعید (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۸)، علی بن حسن فضال (طوسی ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۷)، محمد بن حسین بن فروخ صفار (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵۴)، احمد بن جنید اسکانی (ایضا، ص ۱۳۲).

در زمان بعد از دوران امامان معصومین علیهم السلام بزرگان و فقیه‌مان شیعه درباره خمس تاکید زیادی مطرح فرموده اند، و کتاب احکام فقهی خود را یک باب مخصوص به خمس قرار داده اند. شیخ صدوق<sup>۱</sup> در کتاب مقنع و فقه امام رضا علیه السلام بحث خمس را مطرح کرده است. (صدوق ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۱)، شیخ مفید در کتاب المقنعه باب خمس و غنائم مطرح فرموده. (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۶).

بعد از آن بزرگان و فقیه‌مان شیعه با عناوین و ابواب خمس را به عنوان احکام، احادیث و روایات و فضیلت نگاشتند، اما تنها مفصلی که درباره خمس نوشته شده کتاب الخمس، آیت الله حسین نوری همدانی است.



## خمس از منظر قرآن:

در قرآن مجید درباره خمس فقط یک آیه مجیده ذکر شده در سوره مبارکه انفال، آیه چهل و یک خداوند عالم می فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّتَمُّعِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۱﴾

ترجمه: بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (روز جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان آورده‌اید. و خداوند بر هر چیزی تواناست.

## شأن نزول

پس از غزوه بدر تعدادی از مسلمانان بر سر تقسیم غنایم جنگی مشاجره کردند و خداوند برای ریشکن کردن اختلاف، غنائم را درست در اختیار پیامبر ﷺ گذاشت تا طبق صلاح دید خویش آن را میان جنگجویان تقسیم کند. پیامبر ﷺ نیز غنایم را به طور مساوی بین آنان تقسیم کرد. این آیه نازل شد و بیان کرد که یک پنجم غنایم برای خدا، پیامبر ﷺ، ذی القربی، یتیمان، مسکینان و واماندگان در راه است.

<sup>۱</sup> سوره انفال، ۴۱

## خمس در لغت:

یک پنجم را میگوید.

**در اصطلاح:** یکی از انواع مالیات های اسلامی که شیعیان معتقدند و به منظور رفع مشکلات مالی امت اسلامی و توضیح علادنه و تقویت بنیه مالی حکومت اسلامی وضع شده است.

راغب اصفهانی در کتاب «مفردات قرآن» می گوید: غنیمت از ریشه «عَنَمَ» به معنی گوسفند گرفته شده و سپس می گوید:

ثُمَّ اسْتُعْمِلَ فِي كُلِّ مَطْفُورٍ بِهِ مِنْ جَمْعَةِ الْعُدَى وَ غَيْرِهِمْ:

سپس در هر چیزی که انسان از دشمن و یا غیر دشمن به دست می آورد به کار رفته است.

در کتاب «لسان العرب» غنیمت را اینجوری معنی کرده است: «وَ الْعُنْمُ الْقُوْرُ بِالشَّيْءِ مِنْ غَيْرِ مَشَقَّةٍ... وَ الْعُنْمُ، الْغَنِيْمَةُ وَ الْمَعْنَمُ الْفَيْءُ... وَ فِي الْحَدِيثِ «الرَّهْنُ لِمَنْ رَهْنَهُ لَهُ عُنْمُهُ وَ عَلَيْهِ عَزْمُهُ»، عُنْمُهُ زِيَادَتُهُ وَ نَائُهُ وَ فَاضِلُ قِيَمَتِهِ... وَ عَنَمَ الشَّيْءَ فَارَ بِهِ...»؛

غنم یعنی دسترسی یافتن به چیزی بدون مشقت، و عُنْم و غنیمت و مَعْنَم به معنی فَيْء است (فَيْء را نیز در لغت به معنی چیزهائی که بدون زحمت به انسان می رسد ذکر کرده اند...) و در حدیث وارد شده: «گروگان در اختیار کسی است که آن را به گرو گرفته، غنیمت و منافعش برای اوست و غرامت و زیانش نیز متوجه اوست»، و نیز غنم به معنی زیادی و نمو و اضافه قیمت است، و «فلان چیز را به غنیمت گرفت» یعنی به او دسترسی پیدا کرد.<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup> لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۴۵

## خمس در اصطلاح فقهاء:

❖ شهيد اول « وهو حق يثبت في الغنائم لبني هاشم بالاصالة عوضاً عن الزكاة؛ خمس حقي در

غنائم است که برای بنی هاشم بالاصاله به جای زکات ثابت است.»<sup>۳</sup>

❖ ميرزای قمی « وهو حق مالي يثبت لبني هاشم بالاصالة عوض الزكاة؛

مالي برای بنی هاشم است که بالاصاله، به جای زکات ثابت است.»<sup>۴</sup>

❖ صاحب عروة الوثقى « وهو من الفرائض وقد جعلها الله تعالى لمحمد وذريته عوضاً عن الزكاة اكراماً

لهم؛

خمس یکی از فرائضی است که خداوند متعال برای رسول خدا(ص) و ذریه

اش به جای زکات و برای اکرام آنان واجب قرار داده است.»<sup>۵</sup>

❖ امام خمینی(ره) « (وهوالذي جعله الله لمحمد وذريته كثر الله نسلهم المبارك عوضاً عن الزكاة التي اوساخ

ايدى الناس اكراماً لهم؛

خمس آن است که خداوند تعالی، برای حضرت محمد(ص) و ذریه آن

حضرت، که خداوند نسل مبارکشان را زیاد کند، عوض از زکات که اوساخ

دست مردم است، واجب قرار داده است.»<sup>۶</sup>

<sup>۳</sup> شهيد اول، محمدبن مکی، الدروس الشرعية، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۸.

<sup>۴</sup> ميرزاابوالقاسم قمی، غنائم الايام، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۷۹.

<sup>۵</sup> محمدکاظم يزدي، عروة الوثقى، بيروت، مؤسسه اعلمی، چ دوم، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۶۶.

<sup>۶</sup> امام خمینی، تحرير الوسيلة، قم، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۱.

## خمس در کتاب مقدس:

قبل از اسلام در کتاب مقدس یهودیان و نصرانیان در باره حضرت یوسف علیه السلام در زمان هفت ساله قحطی هم خمس را مطرح کرده است ((پس یوسف در تمامی سرزمین مصر مقرر نمود که... هر ساله یک پنجم از تمامی محصول بعنوان مالیات به فرعون داده شود...، این قانون هنوز هم به قوم خود باقی است))<sup>۷</sup>

## آغاز خمس در سنت اسلامی:

بیشتر فقهاء و مفسرین تشریح خمس در اسلام را در سال دوم هجرت، هنگام جنگ بدر دانسته اند.

در این جنگ غنیمت های فراوان به دست آمده، در این جنگ مناقشات و اختلاف نظرهای را بر سر تقسیم غنائم میان جنگ آواران و گردآورندگان غنائم به دنبال داشت. در اسلام قبل از اسلام قاعده این بود که معمولاً فرمانده جنگ یک چهارم غنائم را دریافت میکرد.<sup>۸</sup>

## خمس یک دستور مهم اسلامی:

در آغاز این سوره دیدیم که پاره ای از مسلمانان بعد از جنگ «بدر»، بر سر تقسیم غنائم جنگی مشاجره کردند و خداوند برای ریشه کن ساختن ماده اختلاف،

<sup>۷</sup> کتاب مقدس، پیدایش ۲۶: ۴۷

<sup>۸</sup> فراهیدی، العین، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۳۳



غنائم را در بست در اختیار پیامبر گذاشت، تا هر گونه صلاح می داند آن را مصرف کند و پیامبر □ آنها را در میان جنگجویان به طور مساوی تقسیم کرد.

این آیه، در حقیقت بازگشت به همان مسأله غنائم است به تناسب آیاتی که درباره جهاد، قبل از این گفته شد؛ زیرا در چند آیه قبل، اشارات مختلفی به موضوع جهاد گردید.

و از آنجا که جهاد غالباً با مسأله غنائم آمیخته است تناسب با ذکر حکم غنائم دارد (بلکه چنان که خواهیم گفت قرآن در اینجا حکم را از مسأله غنائم جنگی نیز فراتر برده و به همه درآمدها اشاره کرده است).

در آغاز آیه، می فرماید: «بدانید هر گونه غنیمتی نصیب شما می شود یک پنجم آن، از آن خدا و پیامبر و ذی القربی (امامان اهل بیت (علیهم السلام)) و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از خاندان پیامبر) می باشد» (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ).

## تفاوت بین خمس و زکات:

در میان خمس و زکات یک تفاوت خیلی مهمی وجود دارد که تعلق عموم جامعه اسلامی است بنابر این مصرف هم به همین خاطر عموم می باشد یعنی عموم مردم جامعه اسلامی سهم دارد اما با شرایط معین.

اما خمس مربوط به حکومت اسلامی است و قرآن برای مصرف خمس شش مصرف قرار داده است.

تفاوت بین خمس و زکات چند موارد است.

- ۱- زکات مالیات بر مال است، خمس مالیات بر پس انداز.
- ۲- زکات برای جامعه است، خمس برای حکومت.
- ۳- زکات مصرف خاص دارد، خمس زیر نظر حاکم اسلامی مصرف عام تری دارد.
- ۴- زکات برای غیر سادات است، خمس سادات فقیر می توانند به قدر کفاف بردارند.
- ۵- زکات به نو چیز تعلق می گیرد، خمس به هفت چیز تعلق می گیرد.
- ۶- مصرف خمس دو است نیمی سهم سادات و نیمی سهم امام، برای زکات هشت مصرف ذکر شده.
- ۷- کسی که خمس بر او واجب است نمی تواند خودش به کسی میخواهد بدهد اما کسی که زکات بر او واجب است می تواند زکاتش را به فقیران نزدیک و خیشاوندان خود بدهد.
- ۸- خمس یک پنجم مال است و زکات موارد مختلفی دارد.<sup>۹</sup>

---

<sup>۹</sup> قرآنی نور نیت.

## **عقیده اهل تشیع:**

(هر گاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسب های دیگر مالی بدست آورد، اگرچه مثلا نماز و روزه میتی را بجا آورد و از اجرت آن مالی تحیه کند، چنانچه از مخارج سال خود و ایالاتش زیاد بیاید باید خمس، یعنی پنج یک آن را به دستور که بعد گفته خواهد شد بدهد).<sup>۱۰</sup>

## **عقیده اهل سنت:**

به عقیده اهل سنت خمس فقط به غنیمت جنگی تعلق می گیرد، علماء تسنن معتقدند که واژه غنیمت در قرآن، فقط بمعنی دست آوردهای جنگی است و گرفتن خمس مکاسب نامشروع است.

---

<sup>۱۰</sup> رساله امام خمینی، احکام خمس

## مراد از ذی القربی به نظر اهل سنت:

در موارد مصرف خمس هم بین امامیه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد و بین خود اهل سنت هم اختلاف نظر دارند. برخی مفسران سه قول را ذکر کرده اند.

✓ مراد از ”ذی القربا“ همه قریش است.

✓ مراد از ”ذی القربا“ فقط قریش است.

✓ مراد از ”ذی القربا“ بنی هاشم و بنی مطلب است.<sup>۱۱</sup>

بیشتر اهل سنت این قول را ترجیح داده اند و این روایت را دلیل آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

أتمم لم یفارقونی فی جاهلیة ولا اسلام انا بنو هاشم و بنو المطلب شیء واحد.<sup>۱۲</sup>

ابن عطیه اندلسی درباره ”ذی القربی“ میگوید: مراد از ذی القربی قرابت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است.

علی بن الحسین و ابن عباس گفته اند که مراد از ”ذی القربی“ فقط بنی هاشم است. او از مجاهد نقل کرده است که میگوید:

((كان آل محمد، لا تحلوا لهم الصدقة فجعل لهم خمس الحمیس))<sup>۱۳</sup>

موضوع خمس در منابع فقهی اهل سنت عمدتاً در بخش تقسیم غنایم جنگی در ذیل بحث جهاد مطرح شده است.

<sup>۱۱</sup> قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۴، ص ۲۷۰

<sup>۱۲</sup> همان، فخر راضی، تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۱۷۱

<sup>۱۳</sup> ابن عطیه اندلسی، المحرز الوجیز، ج ۲، ص ۵۳۰

فقهاء اهل سنت همچون فقیهان شیعه با اسناد به آیه خمس و احادیث متواتر، در وجوب پرداخت خمس اتفاق نظر دارند، اختلاف نظر میان آنان در موارد وجوب خمس و نیز مصارف آن است. در میان مذاهب اهل سنت مهم ترین موارد وجوب خمس، غنایم جنگی است، مستند اصلی آنان آیه خمس است که شان نزول آن بر پایه تفاسیر به جنگ بدر باز می گردد. با این حال فقهاء اهل سنت گنج را نیز با شرایط خاص از جمله موارد وجوب خمس دانسته اند. در باب وجوب خمس در فیه و نیز در مواردی همچون انواع معادن و یا خرید زمین از مسلمان توسط ذمی میان فقهاء اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۱۴</sup>

---

<sup>۱۴</sup> ابن رشت، بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۱۳

## متعلقات خمس:

متعلقات خمس هفت چیز است:

- ۱- منفعت کسب
- ۲- معدن
- ۳- گنج
- ۴- مال حلال مخلوط به حرام
- ۵- جواهر دریافت شده در آب دریا
- ۶- غنیمت
- ۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد<sup>۱۵</sup>

## مصارف خمس:

طبق اعتقاد بسیاری از فقهای شیعه، خمس به دو سهم تقسیم می‌شود که یکی سهم سادات فقیر، یتیم و در راه درمانده است و دیگری سهم امام زمان که هر دو سهم باید به مرجع تقلید یا نماینده وی داده شود، مگر آن که از ایشان اجازه گرفته و در راهی مصرف شود که آن‌ها اجازه می‌دهند<sup>۱۶</sup>.

---

<sup>۱۵</sup> رساله توضیح امام خمینی<sup>ؑ</sup>، احکام و متعلقات خمس

<sup>۱۶</sup> تحریر الوسیله تألیف محمد باقر موسوی همدانی

البته جمعی از فقهای شیعی اختصاص نیمی از خمس به سادات را قبول ندارند.<sup>۱۷</sup>

در آیه خمس، خمس را اینجوری تقسیم کرده است، به شش گروه که صاحبان خمس هستند اشاره شده است.

○ (لله) خداوند.

○ (ولرسوله) رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

○ (ولذی القربی)

○ یتیمان

○ مسکینان

○ کسانی که در سفر به فقر گرفتار شده اند.

”ذوی القربی“ در لغت به همه خویشاوندان شخص گفته میشود ولی با توجه به روایات منظور از ”ذی القربی“ در این آیه شریفه امامان اهل بیت علیهم السلام هستند.<sup>۱۸</sup>

## سهم امام

سهم امام بخشی از خمس است که به خدا، پیامبر(ص) و امام معصوم تعلق دارد.

<sup>۱۷</sup> برای نمونه: رساله توضیح المسائل آیت الله صادقی تهرانی مسئله ۴۴۰

<sup>۱۸</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹، ج ۹، بحث خمس

فقه‌های شیعه سه مورد (خدا، پیامبر و ذوی‌القربی) از مصارف شش‌گانه خمس را که در آیه خمس آمده، متعلق به امام دانسته<sup>۱۹</sup> و از آن به سهم امام یاد می‌کنند. از سهم امام، به سهم خدا، سهم پیامبر و سهم ذوی‌القربی نیز یاد می‌شود.<sup>۲۰</sup>

در زمان غیبت امام، مراجع تقلید شیعه، سهم امام را دریافت می‌کنند و برای ترویج و تقویت اسلام خرج می‌کنند.<sup>۲۱</sup> برخی از فقیهان شیعه معتقدند که سهم امام در زمان غیبت، باید در مواردی مصرف شود که مرجع تقلید گمان می‌کند یا می‌داند که اگر امام معصوم حاضر بود، آن را در همان موارد مصرف می‌کرد؛ مانند حوزه‌های علمیه، بنای مساجد، امور کتابخانه‌ها و مدارس و رسیدگی به نیازمندان.<sup>۲۲</sup> البته اقوال دیگری نیز درباره سهم امام در زمان غیبت مطرح بوده، مانند ساقط شدن وجوب آن، مباح بودن آن برای شیعیان، پرداخت آن به سادات نیازمند، صدقه‌دادن آن، دفن، کنار گذاشتن و نگهداری آن تا زمان ظهور. آیت الله مکارم پس از نقل این اقوال، گفته است که قول مشهور نزد متأخرین و معاصرین این است که مرجع تقلید آن را در اموری که گمان می‌کند رضایت امام غایب در آن است، خرج کند.<sup>۲۳</sup>

---

<sup>۱۹</sup> سید مرتضی، رسائل شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۲۶.

<sup>۲۰</sup> نجفی، جواهرالکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۴؛ ابن براج، المهذب، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸۰.

<sup>۲۱</sup> بروجردی، مرتضی، المستند فی شرح عروة الوثقی، ص ۳۳۰؛ مکارم شیرازی، ناصر، انوارالفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ص ۴۸۳.

<sup>۲۲</sup> مکارم شیرازی، انوارالفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ۱۴۱۶ق، ص ۴۸۳.

<sup>۲۳</sup> مکارم شیرازی، انوارالفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ۱۴۱۶ق، ص ۴۸۰-۴۸۳.



## خمس از منظر روایات:

### خمس دوران پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم

در موارد مصرف خمس امام صادق علیه السلام، حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را بیان می فرماید:

وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى - عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجَارُودِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَتَاهُ الْمُعْتَمُّ أَخَذَ صَفْوَهُ وَكَانَ ذَلِكَ لَهُ ثُمَّ يَفْسِمُ مَا بَقِيَ خَمْسَةَ أَهْمَاسٍ وَيَأْخُذُ خَمْسَةَ ثُمَّ يَفْسِمُ أَرْبَعَةَ أَهْمَاسٍ بَيْنَ النَّاسِ الَّذِينَ قَاتَلُوا عَلَيْهِ ثُمَّ قَسَمَ الْخُمْسَ الَّذِي أَخَذَهُ خَمْسَةَ أَهْمَاسٍ يَأْخُذُ خُمْسَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِنَفْسِهِ ثُمَّ يَفْسِمُ الْأَرْبَعَةَ أَهْمَاسِ بَيْنَ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنَاءِ السَّبِيلِ يُعْطِي كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حَقًّا وَ كَذَلِكَ الْإِمَامُ أَخَذَ كَمَا أَخَذَ الرَّسُولُ ص.<sup>٢٤</sup>

شیخ طوسی به اسنادش در این روایت صحیح السند از «ربعی بن عبدالله بن الجارود» نقل می کند که می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه غنیمتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله می آوردند، برگزیده اش را برمی داشت و این سهم او بود، سپس باقیمانده را به پنج قسمت تقسیم می کرد و یک پنجم آن را جدا می کرد و چهار پنجم دیگر را میان کسانی که برای آن غنیمت جنگیده بودند تقسیم می کرد و آن گاه یک پنجمی را که جدا کرده بود را پنج قسمت می کرد: خمس خدای عزوجل را برای خود برمی داشت، بعد چهار پنجم دیگر را بین خویشان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه قسمت می کرد و به هر یک از آنان حقی می داد. و امام هم این چنین می گیرد همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله می گرفت.

<sup>٢٤</sup> وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ٩، ص ٥١٠، ابواب قسمه الخمس، ب ١، ح ٣، ط آل البيت .

در این روایت تعبیر مفرد «ذی القربی» و «ابن السبیل» به جمع یعنی «ذوی القربی» و «ابناء السبیل» تبدیل شده و نمی‌فرماید سهم ذی القربی را به یک نفر خاص داد و این دلالت می‌کند که مراد از آن جنس ذی القربی است، نه فرد متعین.

یک روایت دیگر می‌فرماید:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: اته ليس لي من هذا الفيء شيء ولا هذا. وعشار الي وبرة من سنام بعير. إلا الخمس، والخمس مردودٌ عليكم، فادّو الخيط والمخيط.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم: نه از این غنیمت و نه از این کرک کوهان شتر، چیزی جز خمس از آن من نیست و همان خمس هم به شما برگردانده میشود، پس حتی نحو سوزن را هم بدهید.<sup>۲۵</sup>

نیز رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

ایکم والغلول، الزجلُ ینکحُ المرأة، او یرکبُ الدابة قبلَ از تُحَمَس.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم: از خیانت کردن به غنایم بپرهیزید، اگر پیش از خارج کردن خمس غنیمت، مردی با زنی (اسیران جنگی) در آمیزد یا مرکبی را سوار شود آن خیانت در غنایم است.<sup>۲۶</sup>

## خمس در دوران خلفاء:

<sup>۲۵</sup> میزان الحکمت، ح ۵۳۹۰، کنز العمال ۱۰۹۶۸

<sup>۲۶</sup> میزان الحکمت، ح ۵۳۹۱

ابن ابی الحدید می گوید که دوران خلیفه اول (ابو بکر)، هنگام توزیع خمس، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و بنی هاشم را از دریافت سهم ذوی القربی باز داشت.<sup>۲۷</sup>

عمر سیره رو خاصی برای تقسیم خمس یا گرفتن خمس نداشت، او درباره گنج سه روش را بیان می کند.

۱- اخذ خمس و اعطاء چهار، پنجشنبه یابنده: گفته میشود که فردی در خارج از مدینه هزار دینار را از دل زمین یافت، که عمر دوست دینار را بعنوان خمس اخذ کرد و بقیه را به یابنده داد. مبلغ اخذ شده را در میان مسلمانان حاضر تقسیم کرد و در پایان مقدار باقی مانده را نیز به یابنده داد.

۲- واریز کردن مبلغ پیدا شده به بیت المال مسلمانان: چنین موردی هنگام فتح شوز و پیدا شدن مقبره دانیال اتفاق افتاد.

۳- سپردن همه مبلغ به یابنده:<sup>۲۸</sup>

---

<sup>۲۷</sup> شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۳، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۶۱

<sup>۲۸</sup> ابو عبید، الاموال، تحقیق و تعلیق محمد خلیل هراس، ص ۳۵۱ تا ۳۵۳

## دوران ائمه معصومین علیهم السلام:

در روایتی از حسن بن زیاد از ابی عبد الله علیه السلام آمده است:

انّ رجلاً اتى اميرالمؤمنين عليه السلام ، فقال: اتى اصبت مالاً لا اعرف حلاله من حرامه، فقال له اخرج الخمس من ذلك المال، فانّ الله عزّجل قد رضي من المال بالخمس.

یعنی مال حلال آمیخته به حرام از منابع خمس است و با پرداخت خمس آن مال پاک میشود، چون خداوند یک پنجم راضی است.<sup>۲۹</sup>

ابو جعفر علیه السلام نیز از منابع خمس مانند غنیمت جنگی و زمین خریداری شده توسط ذمی می فرماید:

كلّ شيءٍ قُوتل عليه علي شهادة آلا اله آلا الله و ان محمّد الرسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) فانّ لنا خمسَه...

یعنی هر مالی که در اثر جنگ مسلمانان برای اسلام آوردن کفار بدست آید یک پنجم آن از آن ما است.<sup>۳۰</sup>

نیز فرماید: ايّا ذِيّ اشترى من مسلمٍ ارضاً، فانّ عليه الخمس.<sup>۳۱</sup>

یعنی هر کافر ذمی که زمینی را از مسلمانی بخرد بر او خمس واجب است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توفیق محمد بن عثمان عمری می نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم، لعنة الله والملائكة والناس اجمعين علي كلٍّ من اكل من ملنا درهماً حراماً... و من اكل من مالنا شيئاً فانما ياكل في بطنه ناراً، وسيصلي سعيراً.<sup>۳۲</sup>

<sup>۲۹</sup> شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۳۸

<sup>۳۰</sup> وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۷۸، خمس، چالش ها و راهکارها، ص ۳۹

<sup>۳۱</sup> تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۳۹

<sup>۳۲</sup> وسائل الشیعه باب الثالث من ابواب الانفال، ص ۳۷۷

یعنی بنام بخشنده و مهربان، لعنت خدا و ملائکه و مردم بر کسی است از مال ما درهمی را به حرام میخورد... و کسی که از مال ما چیزی را بخورد و در مال ما تصرف نماید در حقیقت آتش را خورده است و بزودی به آتش جهنم سوزنده میشود. (من اکل من مال الیتیم درهما ونحن الیتیم) و کسی از مال یتیم بخورد وارد آتش میشود و ما یتیم هستیم.<sup>۳۳</sup>

خداوند برای بندگان خیلی آسان کرده که طول سال هرچه کسب می کند به راحتی بخورد و باقی مانده سال را هم کاملاً نخواستند بلکه یک پنجم آن را برای تزکیه مال خواسته است، اما بندگان از همان یک سهم را هم آمده نیست که برای رضای خدا خرج بکند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«لقد یسر- الله علی المؤمنین ارزاقهم بخمسة دراهم جعلوا لربهم واحداً واکلوا اربعة حلالات ثم قال هذا من حدیثنا صعب مستصعب لا یعمل به ولا یصبر علیها الا ممتحن قلبه للایمان»<sup>۳۴</sup>

خمس مالتان را بدهید تا رزق شما حلال شود، سپس فرمود: این کلام سختی است که جز افراد با ایمان امتحان شده، تحمل آن را ندارند.

نپرداختن خمس، در کنار شرک و قتل نفس، از بزرگترین گناهان کبیره شمرده شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أكبر الكبائر سبع: الشرك والقتل واکل اموال الیتامی و عقوق الوالدین و قذف المحصنات و الفرار من الزحف وانكار ما انزل الله»،

<sup>۳۳</sup> وسائل الشعیبه باب الثالث من ابواب الانفال، ص ۳۷۴

<sup>۳۴</sup> وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴.

سپس فرمود: اما خوردن مال یتیمان همان حقّ ما است که از ما ربوده و خوردند.<sup>۳۵</sup>

امام زمان علیه السلام فرمود:

«لعنة الله والملائكة والناس اجمعين على من استحلّ من مالنا درهماً»<sup>۳۶</sup>

لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر کسی که یک درهم مال ما را حلال بشمارد و در

روایت دیگر فرمود: ما دشمن این گونه افراد هستیم. «و نحن خصائمه»<sup>۳۷</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«هلك الناس في بطونهم و فروجهم لانهم لم يؤدوا الينا حقنا»<sup>۳۸</sup>

مردم بخاطر اینکه حقّ ما را نمی دهند غذا و آمیزش آنان ناپاک شده و سبب هلاکت آنان می شود.

در بعضی احادیث می خوانیم:

«من استحل منها شيئاً فامسكه فانما ياكل النيران»<sup>۳۹</sup>

کسی که بخشی از خمس را حلال پندارد و آن را نپردازد، گویا آتش می خورد.

یاران واقعی اهل بیت علیهم السلام آنگونه ایمان داشتند که نپرداختن خمس را مساوی با حرام خوردن و قبول نشدن نماز و روزه می دانستند و در سؤال کتبی خود

---

<sup>۳۵</sup> وسائل، ج ۹، ص ۵۳۶.

<sup>۳۶</sup> وسائل، ج ۹، ص ۵۴۱.

<sup>۳۷</sup> وسائل، ج ۹، ص ۵۴۰.

<sup>۳۸</sup> وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۷.

<sup>۳۹</sup> وسائل، ج ۹، ص ۵۵۰.

از آن بزرگواران می‌پرسیدند که خمس را چگونه پردازیم تا جزء حرام خواران و کسانی که نماز و روزه شان قبول نیست نباشیم.<sup>۴۰</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود:

آسان‌ترین وسیله‌ای که انسان را به دوزخ می‌برد خوردن مال یتیم است، سپس حضرت فرمود: ما یتیم هستیم-

و نپرداختن خمس، به منزله خوردن مال یتیم است.<sup>۴۱</sup>

در حدیث دیگر می‌خوانیم: از سخت‌ترین شرائطی که مردم در قیامت دارند وضعیت تارکان خمس است.<sup>۴۲</sup>

در حدیثی می‌خوانیم:

«الدنيا وما فيها لله ورسوله ولنا فمن غلب على شيء منها فليترك الله وليؤد حق الله وليتبرأ أخوانه فان لم يفعل ذلك فالله ورسوله ونحن براء منه»<sup>۴۳</sup>

هر کس بر مال دنیا دست یافت باید تقوی پیشه کند و حق خدا را پردازد و به برادران ایمانی خود احسان کند و اگر این چنین نکرد خدا و رسول و ما اهل بیت از او بیزاریم.

امام رضا علیه السلام فرمود:

«ان الخمس عوننا... فلا تزووه عنا ولا تحرموا انفسكم دعاءنا ما قدرتم عليه»<sup>۴۴</sup>

---

<sup>۴۰</sup> وسائل، ج ۹، ص ۵۰۳.

<sup>۴۱</sup> وسائل، ج ۹، ص ۴۸۳ و ص ۵۳۶.

<sup>۴۲</sup> وسائل، ج ۹، ص ۵۴۵.

<sup>۴۳</sup> وافی، ج ۱۰، ص ۲۸۹.

<sup>۴۴</sup> وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.

خمس کمک به ماست آن را از ما دور نکنید تا از دعای ما محروم نشوید.

امام زمان علیه السلام فرمودند:

«فلا یحلّ لاحد ان یتصرف فی مال غیره بغیر اذنه فکیف یحلّ ذلك فی مالنا من فعل شیئاً من ذلك لغير امرنا فقد استحل منا ما حرم علیه و من اکل من مالنا شیئاً فانما یأکل فی بطنه ناراً و سیصلی سعیراً»

با اینکه هیچ کس حق ندارد در مال غیر تصرف کند، پس چگونه مردم در مال ما تصرف می کنند؟ هر کس بدون دستور ما در مال ما تصرف کند مرتکب گناه شده و هر کس ذره‌ای از مال ما را بخورد پس گویا آتش در شکم اوست.

## عصر خلافت امام علی علیه السلام

خمس در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز دریافت می شد و کسانی که آن را سبک می شمردند، توبیخ می شدند ( ابویوسف در کتاب الخراج در این باره می نویسد: علی علیه السلام خمس را همانند خلفا تقسیم کرد)<sup>۴۵</sup>.

امیرالمؤمنین علیه السلام خمس گنج و معدن را نیز از مسلمانان دریافت می کردند، چنان که ابوعبیده در کتاب الاموال می نویسد: علی علیه السلام معدن را رکاز (گنج) نامید و حکم گنج را بر آن اجرا کرد و از آن خمس گرفت.<sup>۴۶</sup>

<sup>۴۵</sup> صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۷، ابویوسف، ۱۴۲۰ق، ص ۲۳

<sup>۴۶</sup> ابن سلام، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۶.



## عصر امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام

در دوران امام حسن علیه السلام، بنی امیه روی کار آمده و تلاش کردند تا حقوق شیعیان، سادات علوی و امامان شیعه علیهم السلام را نفی کرده و سهم ائمه اطهار علیهم السلام را پرداخت نکنند، زیرا موجب مشروعیت بخشی به آنان می شد. در این دوره پرداخت خمس به شیعیان توسط بنی امیه نادیده گرفته شد.<sup>۴۷</sup> از دیگر سو، با توجه به وضعیت مالی و فشار سیاسی خلفا بر شیعیان، امکان پرداخت خمس از سوی شیعیان نیز به کمترین حد ممکن رسید و اگر کسی هم به پرداخت آن اهتمام داشته در تاریخ ثبت نشده است.

---

<sup>۴۷</sup> ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۰۵

## عصر امام باقر علیه السلام

با انتقال قدرت سیاسی از بنی مروان به بنی عباس و تلاش روزافزون ائمه علیهم السلام در عرصه سیاسی - اجتماعی و عقیدتی و گسترش تشیع، این دوره متفاوت با عصر امامان قبلی بود. ابن سعد در طبقات می نویسد: امام باقر علیه السلام فرمود: از زمان معاویه تا به امروز خمسی در میان ما تقسیم نشد.<sup>۴۸</sup>

همچنین در گزارش کشف الغمّه آمده است: عمر بن عبدالعزیز هفتاد خروار زر سرخ و سفید از مال خمس به ایشان داد و نیز آنچه حق بنی فاطمه و بنی هاشم بود که در زمان ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید و عبدالملک جمع کرده و به ایشان نداده بودند، به ایشان بازگرداند، و بنی هاشم در آن سال ها غنی شده و وضع مالی آنان بهبود یافت.<sup>۴۹</sup>

## عصر امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام نیز همانند دیگر اجدادش بر مسئله وجوب و پرداخت خمس از سوی شیعیان تأکید داشته و در این باره می فرمایند: آنچه برای خداوند است از آن رسولش می باشد و آنچه برای رسولش است از آن ماست. سوگند به خدا! خداوند به آسانی به مؤمنان پنج درهم روزی می دهد تا یک درهم برای پروردگارشان باشد. این دستور ما دشوار و رنج آور است و کسی آن را انجام نمی دهد و بر آن شکیبایی نمی ورزد، مگر کسی که دلش برای ایمان آزموده شده باشد.<sup>۵۰</sup> نیز ایشان خطاب به

<sup>۴۸</sup> ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۰۵

<sup>۴۹</sup> اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۹۶

<sup>۵۰</sup> صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۹

شیعیان درباره پرداخت خمس از درآمد کسب فرمودند: در هر چیزی که مردم از آن سود می برند، چه کم باشد و چه زیاد، خمس وجود دارد.<sup>۵۱</sup> همچنین فرمودند: رسول خدا صل الله علیه و آله به ابوذر و سلمان و مقداد فرمودند: شهادت بدهید به لاله الا الله و... و خارج کردن خمس از چیزهایی که هر کس به دست می آورد که بعد از امام علی علیه السلام باید به ائمه علیهم السلام بعد از فرزندان او پرداخت شود.<sup>۵۲</sup>

### عصر امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام نیز همانند دوران اجدادش با فضای اختناق سیاسی عباسی روبه رو بود. بنابراین، طبیعی به نظر می رسد که دستگاه خلافت از پرداخت سهم امام از غنایم و دیگر درآمدهای دولتی امتناع کند، چنان که شیخ صدوق در گزارشی می نویسد: یک بار به مأمون خبر دادند که مردی از صوفی ها دزدی کرده است، وی دستور داد او را آورند چون او را دید مردی ژندهپوش و در پیشانی اش آثار سجده هویداست، گفت: بسیار عجیب است! این آثار نیکو و این فعل زشت، آیا نسبت سرقت به تو می دهند؟ مرد گفت: از روی ناچاری دست بدین کار زدهام، عمداً نبوده است؛ در شرایطی که تو من را از خمس و غنیمتی که حق من است ممنوع کرده ای.<sup>۵۳</sup>

<sup>۵۱</sup> کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۴۵

<sup>۵۲</sup> سیدبن طاووس، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۹

<sup>۵۳</sup> صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۳۷

## عصر امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام با توجه به شرایط سیاسی موجود، برای جمع آوری خمس و دیگر اموال شیعیان، سازمان وکالت را تقویت کرد، چنان که ایشان نمایندگانی، همانند میمون و مسافر را برای دریافت وجوهات به قم اعزام کردند.<sup>۵۴</sup> ایشان در نامه مفصلی در باب دریافت و چگونگی محاسبه خمس به وکیل خویش علی بن مهزیار اهوازی نوشت: آنچه امسال (سال ۲۲۰ق) واجب کردم تنها به منظور برخی مسائل است که خوش ندارم همه آنها افشا شود. اکنون که دانستم شیعیان ما یا برخی از آنان در آنچه بر آنان واجب شده، کوتاهی می ورزند؛ چون دوست داشتم آنان از گناه پاک شوند، لازم است در موارد خاصی که در نامه ذکر شده است، خمس مالشان را به وکلای امام پردازند، و قصدم از این کار تطهیر و تزکیه شیعیانم است. خمسی که امسال بر آنان واجب کردم تنها در طلا و نقره ای است که یک سال بر آنها گذشته است. این را در کالاهای، ظرف ها، چهارپایان، بردگان و سودی که در تجارت و مزرعه برده می شود را واجب نکردم، مگر در مزرعه ای که موضوع آن را به زودی برایت خواهم گفت. این تخفیفی است از سوی من برای شیعیانم و منتی است که بر آنان گذاردم، به سبب پول هایی که سلطان از چنگ آنان درآورده است.<sup>۵۵</sup>

## عصر امام هادی علیه السلام

دوران عسکرین با توجه به انتقال و کنترل آنان در عراق، سازمان وکالت وظیفه سنگین تری در خصوص ارتباط با شیعیان در مناطق دور و نزدیک به عهده داشت.

<sup>۵۴</sup> کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۹۸

<sup>۵۵</sup> طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۱

در بیشتر موارد، امور مالی از طریق آنان پیگیری می شد و در هر منطقه وکلا براساس شرح وظایف، شیعیان را مدیریت می کردند. شیعیان نیز به پرداخت وجوه شرعی خویش اهتمام می ورزیدند و در مواردی که نیاز به پرسش بود از امام علیه السلام استفسار می کردند، چنان که ابراهیم بن محمد همدانی می گوید: به ابوالحسن (امام هادی علیه السلام) نوشتم: علی بن مهزیار نامه پدر شما را برای من خواند که آنچه واجب است بر باغ داران بعد از وضع مخارج، یک دوازدهم است و کسی که عایدی مزرعه و باغش مخارجش را کفاف ندهد، نه یک دوازدهم و چیز دیگری بر او واجب نیست. مردمی که نزد ما هستند در این باره اختلاف دارند و می گویند: بر مزارع بعد از وضع مخارج، خمس واجب است؛ یعنی مخارج زراعت و خراج، نه مخارج خود زارع و خانواده اش. امام علیه السلام در جواب نوشت: خمس پس از کسر هزینه های وی و خانواده اش و مالیات سلطان واجب است.<sup>۵۶</sup>

### عصر امام حسن عسکری علیه السلام

در عصر امام حسن عسکری علیه السلام با توجه به فشار دستگاه خلافت عباسی، نهاد وکالت با قدرت بیشتری به پیگیری امور شرعی مردم می پرداخت و خود امام علیه السلام نیز تأکید داشت تا شیعیان به پرداخت وجوه شرعی اهتمام ورزند، چنان که ایشان در نامه ای خطاب به برخی وکلا و شیعیان می نویسد: ایاسحاق! تو پیک من نزد ابراهیم بن عبده هستی. درود خدا بر ابراهیم بن عبده و تو و همه شیعیان ما و کسانی که این نامه را می خوانند، آنان باید سهم ما (خمس) را به ابراهیم بدهند تا او هم به رازی برساند. ای اسحاق! هنگامی که به بغداد رفتی نامه را برای (جناب

<sup>۵۶</sup> طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۴۷

دهقانی) بخوان، او کسی است که پول را از دوستان ما دریافت می کند.<sup>۵۷</sup> نیز ایشان در نامه ای دیگر خطاب به عبدالله بن حمدویه در بیهق نوشتند: من ابراهیم بن عبده را به سوی شما فرستادم تا مردم آن سرزمین سهم ما را به او پردازند. شتاب کنید و سهم ما (خمس) را به او پردازید که در رها کردن و تأخیر آن بهانه ای نیست.<sup>۵۸</sup>

همچنین در گزارش دیگری امام حسن عسکری علیه السلام پس از اظهار نارضایتی از سستی شیعیان ناحیه نیشابور در ادای واجبات الهی (خمس و زکات)، لزوم ادای این حق را به این صورت معلل فرمودند: لزوم ادای حقوق اهل بیت علیهم السلام (خمس) برای آن است که همسران، اموال، خوردنی ها و نوشیدنی های شما برایتان حلال و منشأ برکت و فزونی سرمایه، شناخت اهل طاعت در نهان از غیر ایشان شود، و هر کس بخل ورزد به زیان خود عمل کرده است.<sup>۵۹</sup>

## عصر غیبت صغری

در عصر امام زمان علیه السلام نیز با توجه به غیبت آن حضرت و خفقان سیاسی از سوی خلافت عباسی، شیعیان وجوهات شرعی خود را به وکلا یا خود آن حضرت پرداخت می کردند. آنان اموالی، از قبیل طلا و نقره، اشیای قیمتی همانند شمشیر و پول نقد.<sup>۶۰</sup> برای امام زمان علیه السلام ارسال می کردند. نیز در گزارشی آمده است

---

<sup>۵۷</sup> کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۸

<sup>۵۸</sup> همان، ص ۵۸۰

<sup>۵۹</sup> کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۷

<sup>۶۰</sup> کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۱۸-۵۲۳

که شیعیان قم وجوه شرعی خود به مبلغ هزار دینار<sup>۶۱</sup>، مردی از اهل مصر،<sup>۶۲</sup> و مردی از اهل سواد<sup>۶۳</sup>، مالی را خدمت امام زمان علیه السلام آوردند. تنها اشکال این اخبار این است که واژه خمس در آنها به صراحت به کار نرفته است. البته در برخی از این گزارش ها به مال یا سهم امام اشاره شده و گویای آن است که خمس از اموال امام است. به عبارت دیگر، تردیدی نیست که شیعیان ترجیح می دادند - و بلکه بر خود واجب دانستند - زکات و خمس اموال و درآمد موقوفات و همینطور صدقات عادی و هدایا و نذورات خود را به ساحت مقدس امامانشان تقدیم کنند.<sup>۶۴</sup>

---

<sup>۶۱</sup> صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۷۶

<sup>۶۲</sup> کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۲۳

<sup>۶۳</sup> همان، ص ۵۱۹

<sup>۶۴</sup> جباری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۸۶

## نتیجه:

طبق آیه ی مجیده (انفال: ۴۱) در وجوب خمس بین فریقین هیچ اختلافی ندارد، اما اهل سنت وجوب خمس را مخصوص به غنایم جنگی اختصاص می دهند برخلاف شیعه که عقیده دارند مطلق غنایم خمس تعلق دارد. خمس بجای زکات برای اهل بیت عصمت و طهارت خداوند قرار داده که آنها از این تامین زنگی بکنند و به مردم محتاج نشوند. در زمان غیبت خمس در دست مجتهد جامع الشرایط می رسد و آنها با صوابدید خود برای اصلاح امور جامعه صرف می فرمایند.





## فهرست منابع:

شماره	منابع
۱.	سوره انفال، ۴۱
۲.	لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۴۵
۳.	شهید اول، محمدبن مکی، الدروس الشرعیة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۸.
۴.	میرزا ابوالقاسم قمی، غنایم الایام، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۷۹.
۵.	محمد کاظم یزدی، عروۃ الوثقی، بیروت، مؤسسه اعلمی، چ دوم، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۶۶.
۶.	امام خمینی، تحریر الوسیله، قم، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۱.
۷.	کتاب مقدس، پیدایش ۲۶: ۴۷
۸.	فراهیدی، العین، ۱۴۰۵، ق، ج ۲، ص ۱۳۳
۹.	قرائتی نور نیت.
۱۰.	رساله امام خمینی، احکام خمس
۱۱.	قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۴، ص ۲۷۰

۱۲.	همان، فخر راضی، تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۱۷۱
۱۳.	ابن عطیه اندلسی، المحرز الوجیز، ج ۲، ص ۵۳۰
۱۴.	ابن رشت، بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۱۳
۱۵.	رساله توضیح امام خمینی، احکام و متعلقات خمس
۱۶.	تحریر الوسیله تألیف محمد باقر موسوی همدانی
۱۷.	برای نمونه: رساله توضیح المسائل آیت الله صادقی تهرانی مسئله ۴۴۰
۱۸.	حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، بحث خمس
۱۹.	سید مرتضی، رسائل شریف مرتضی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۲۶.
۲۰.	نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۶، ص ۸۴؛ ابن براج، المهذب، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۱۸۰.
۲۱.	بروجردی، مرتضی، المستند فی شرح عروة الوثقی، ص ۳۳۰؛ مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ص ۴۸۳.
۲۲.	مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ۱۴۱۶ ق، ص ۴۸۳.
۲۳.	مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ۱۴۱۶ ق، ص ۴۸۰-۴۸۳.

٢٤.	وسائل الشيعة، شيخ حرّ عاملي، ج٩، ص٥١٠، ابواب قسمة الخمس، ب١، ح٣، ط آل البيت.
٢٥.	ميزان الحكمت، ح٥٣٩٠، كنز العمال ١٠٩٦٨
٢٦.	ميزان الحكمت، ح٥٣٩١
٢٧.	شرح نهج البلاغه، ابن ابى احديد، ج٤، ص١٣،
٢٨.	ابو عبيد، الاموال، تحقيق و تعليق محمد خليل هراس، ص٣٥١ تا ٣٥٣
٢٩.	شيخ طوسى، تهذيب الاحكام، ج٤، ص١٣٨
٣٠.	وسائل الشيعة، ج٦، ص٣٧٨،
٣١.	تهذيب الاحكام، ج٤، ص١٣٩
٣٢.	وسائل الشعيه باب الثالث من ابواب الانفال، ص٣٧٧
٣٣.	وسائل الشعيه باب الثالث من ابواب الانفال، ص٣٧٤
٣٤.	وسائل، ج٩، ص٤٨٤.
٣٥.	وسائل، ج٩، ص٥٣٦.
٣٦.	وسائل، ج٩، ص٥٤١.
٣٧.	وسائل، ج٩، ص٥٤٠.
٣٨.	وافى، ج١٠، ص٣٣٧.

۳۹.	وسائل، ج ۹، ص ۵۵۰.
۴۰.	وسائل، ج ۹، ص ۵۰۳.
۴۱.	وسائل، ج ۹، ص ص ۴۸۳ و ۵۳۶.
۴۲.	وسائل، ج ۹، ص ۵۴۵.
۴۳.	وافی، ج ۱۰، ص ۲۸۹.
۴۴.	وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.
۴۵.	صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۷.
۴۶.	ابن سلام، ۴۰۸ق، ص ۴۲۶.
۴۷.	ابن سعد، ۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۰۵.
۴۸.	ابن سعد، ۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۰۵.
۴۹.	اربلی، ۳۸۱ق، ج ۱، ص ۹۶.
۵۰.	صفار، ۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۹.
۵۱.	کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۴۵.
۵۲.	سیدبن طاووس، ۴۲۰ق، ص ۱۲۹.
۵۳.	صدوق، ۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۳۷.
۵۴.	کشی، ۴۰۹ق، ص ۵۹۸.

٥٥.	طوسی، ١٤٠٧ق، ج ٤، ص ١٤١
٥٦.	طوسی، ١٤٠٧ق، ج ٤، ص ٥٤٧
٥٧.	کشی، ١٤٠٩ق، ص ٥٧٨
٥٨.	همان، ص ٥٨٠
٥٩.	کشی، ١٤٠٩ق، ص ٥٧٧
٦٠.	کلینی، ١٣٦٢، ج ١، ص ٥٢٣-٥١٨
٦١.	صدوق، ١٤٠٥ق، ج ٢، ص ٤٧٦
٦٢.	کلینی، ١٣٦٢، ج ١، ص ٥٢٣
٦٣.	همان، ص ٥١٩
٦٤.	جباری، ١٣٨٢، ج ١، ص ٢٨٦
٦٥.	تحریر الوسيله تالیف، محمد باقر موسوی همدانی
٦٦.	رسایل شریف مرتضی ١٤٠٥
٦٧.	انوار الفقاهه، مکارم شیرازی، کتسب سلخمس ولانفاق، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ١٤١٦ق
٦٨.	وسایل الشیعه، قم، موسسه ال البيت، ١٤٠٩ق

٦٩.	كنزل العمال فى سنن الاقوال والافعال: تحقيق شيخ بكرمى حيانى، بيروت، مؤسسه الرساله
٧٠.	میزان الحكمة: گروہ نرم افزار طليعه نور حسين حجتى. Talieenoor.com
٧١.	شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد عبد المجيد: ١٤١٨هـ محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، داراحياء الكتب العلميه
٧٢.	تهذيب الاحكام، ١٤٠٧هـ تهران، دارالكتب الاسلاميه.
٧٣.	خمس چالش ها و راهكارها
٧٤.	الوافى، ملا محسن فيض كاشانى، مكتبة الامام اميرالمومنين على عليه السلام
٧٥.	ابن اسلام، ١٤٠٨ق. Tarikh.nashriyat.ir
٧٦.	ابن سعد، ١٤١٠ق

☆☆☆☆☆

☆☆☆

☆